

سخن در باب جامعه بسیار گفته شده است و معمولاً آن را چیزی در زمان حاضر در نظر گرفته‌اند. اما اگر بخواهیم در باب جامعه و اجتماع تامل کنیم لازم است که جامعه را امری انتزاعی و به یک باره متولد شده نبینیم؛ هر جامعه‌ای در طول تاریخ و در سیر افول و ظهور تمدن‌ها سامان یافته است. هر قوم و امتی با اختیار خویش راهی را در مسیر دوگانه تاریخ می‌پیماید؛ دوگانه جبهه حق و باطل. حاصل این اراده‌ی اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری تمدنی متناسب با این اراده‌هاست. تمدنی که می‌تواند یکی از منزلگاه‌های حق یا باطل در مسیر تاریخ باشد. هر تمدنی که شکل می‌گیرد، یک منزلگاه تاریخی و مظهر اراده الهی در آن دوره از تاریخ می‌باشد. هر تمدنی همراه با تاریخ و تفکر حاصل از آن دوره، مناسباتی خاص را فراهم می‌آورد؛ این تفکر، فرهنگ و گرایشی متناسب با خود را فراهم می‌آورد و نظامات سیاسی و اقتصادی در نسبت با این تفکر شکل می‌گیرند. نظامات اجتماعی به طریقی هماهنگ و با توجه به زمانه تاریخی و زمینه اجتماعی خود، تغییر و تکامل می‌یابند و به استقرار می‌رسند و نظم بر آن‌ها حاکم می‌شود؛ نظمی که برآمده از الزامات و شرایط ویژه آن تمدن است. در واقع مهندسی خاص و نظم حاکم بر یک تمدن، نظامات سیاسی و اقتصادی فراهم می‌آورد، که یک نوع هماهنگی ذاتی و درونی را با یکدیگر خواهند داشت. اما باید توجه داشت که هر نظام اجتماعی در واکنش و نسبت‌سنجی با دو چیز شکل خاص می‌یابد؛ یکی مسائلی که با آن روبرو می‌شود و دیگری ویژگی خاص تاریخی و فلسفی و فرهنگی آن دوره.

مراد ما از نظام اجتماعی کلیت جامعه و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، تکنولوژیکی و... است. به کار بردن واژه «نظام اجتماعی» نشان‌گر این معناست که بر جامعه نظمی حاکم است و بخش‌ها و ابعاد مختلف آن با یکدیگر مرتبط و بر یکدیگر موثرند. تصور ما از جامعه یک تصور کل‌نگرانه و کل‌گرایانه است؛ یعنی تلاش می‌کنیم اجزای مختلف و روابط درونی و بیرونی آن را با هم و در یک فرآیند ببینیم.

باید دریافت که در زمانه ما اقتصاد و سیاست و علم و نظامات مرتبط با آن‌ها چه ویژگی‌هایی دارند و آن‌چه در دنیا و در عصر ما غالب است از میان بدیل‌های مختلف کدام است. از سوی دیگر نظام اجتماعی حاکم بر جامعه ایران هم برآمده از تاریخ و سنت ایرانی-اسلامی و هم متأثر از نظام غالب و رایج جهانی و عصری است. میان صاحب‌نظران مختلف توافقی نسبی وجود دارد که وضعیت کنونی مناسبات و نظامات اجتماعی ایران مطلوب نیست. از این رو باید دید که چه طرح‌ها و نقشه‌هایی برای حرکت به سوی شرایط بهتر وجود دارد و دعاوی نظری و طرق عملی پیشنهادی را بررسی کرد. حرکت به سوی تعالی و استقرار نظام اجتماعی پیشرفته و مبتنی بر عدالت، غایت جامعه ایرانی است؛ جامعه‌ای که باید نمونه‌ای از آینده موعود بشری باشد.